

سبک زندگی اسلامی در اندیشه‌ی

مقام معظم رهبری

(صفحات ۱۲۱ تا ۱۴۸)

ابوالفضل احمدی^۱ * ابوالفضل ذوالفقاری^۲

پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۳

دریافت: ۹۷/۰۷/۲۶

چکیده

این پژوهش تلاش دارد، ضمن مروری بر نظرات سبک زندگی از نظر جامعه‌شناسان، گفتمان سبک زندگی اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری را به صورت اکتشافی بررسی نموده و ضمن شناسایی دال‌های آن، چگونگی مفصل‌بندی این گفتمان را مشخص نماید. این مقاله از روش کیفی تحلیل گفتمان استفاده نموده و جامعه‌ی آماری آن نیز کلیه‌ی آثار مکتوب و شفاهی ۲۳ ساله‌ی رهبر انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۱ می‌باشد؛ به طوری که با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، ابتدا مفهوم سبک زندگی اسلامی از منظر معظم له تعریف شده و سپس با شناسایی روش‌مند دال‌های این گفتمان، به چگونگی مفصل‌بندی گفتمان سبک زندگی اسلامی ایشان پرداخته است. از یافته‌های این پژوهش می‌توان دال‌های گفتمان سبک زندگی اسلامی از منظر مقام معظم رهبری اشاره نمود که عبارتند از: دال مرکزی: منش اسلامی؛ دال‌های برتر: معنویت، الگوداشتن، عقلانیت و حفظ مناسک و دال‌های فرعی: رفتارهای فردی (مدیریت بدن، پوشاک و ورزش کردن)، مُد و نوگرایی، و مصرف. از دیگر یافته‌های این پژوهش، بررسی وجوه تمایز و تشابه سبک زندگی اسلامی از منظر ایشان با سبک زندگی از نظر جامعه‌شناسان است و همچنین، از سایر یافته‌های آن، می‌توان به شناسایی شاخصه‌های «سبک زندگی اشرافی» از نظر مقام معظم رهبری نیز اشاره نمود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، گفتمان، شاخص‌های سبک زندگی، مصرف.

۱. دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ (نویسنده مسئول)
a.abolfazl6969@gmail.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه شاهد؛

مقدمه

در دهه‌ی اخیر، سازه‌های اجتماعی مانند طبقه، که در بستر هویت معنا می‌یابند، نادیده گرفته شده و جهت‌گیری جامعه‌شناسی معاصر به سمت حوزه‌ی مصرف و فعالیت‌های سبک زندگی سوق یافته است و با توجه به این که سبک زندگی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی فرهنگ می‌باشد؛ بنابراین، سبک زندگی جوامع مختلف متناسب با فرهنگ غالب آن شناخته می‌شود و بالطبع در جامعه‌ی ایران به ویژه بعد از وقوع انقلاب اسلامی می‌توان گفت سبک زندگی مردم، بیانگر هویت دینی آنان می‌باشد.

اگرچه، دین‌مدار بودن جامعه‌ی ایرانی، تأثیرات مثبت وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی ایران، در شیوه و سبک زندگی مردم ایران تغییرات بنیادینی گذاشته است؛ ولیکن نباید تأثیرات و نقش ابزار و تکنولوژی دهه‌های اخیر از جمله اینترنت و ماهواره را در تغییرات سبک زندگی نادیده گرفت. امروزه نقش فرآیندهای فرهنگی فراملی و جهانی شدن فرآیندهای تولید و مصرف کالاهای فرهنگی در سبک زندگی مردم تأثیرات زیادی گذاشته است. به ویژه اینکه این‌ها به‌عنوان دستاویزی جهت تهاجم فرهنگی کشورهای اروپایی و آمریکایی بر علیه برخی کشورهای دنیا بوده است، «به گونه‌ای که هژمونی فرهنگی را مطرح ساخته و با کنترل و هدایت فرهنگ، به مقاصد خود دست یازیده‌اند» (هانتینگتون، ۲۰۰۰: ۱۳). از این رو، مقام معظم رهبری سال‌ها پیش خطر آن را تحت عنوان «تهاجم فرهنگی» به مسئولین و مردم گوشزد کرده بودند. به هرحال، با توجه به تجربه‌ی جدید دینی بودن انقلاب اسلامی، بالطبع همخوانی و تناسب سبک زندگی مردم با هویت دینی، از دغدغه‌های مسئولین عالی رتبه و مشخصاً مقام معظم رهبری است؛ بدین سبب، ایشان علاوه بر رهنمودهای خاص به مسئولین، در آغازین ساعات هر سال، مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی را، تحت عنوان شعارهای سال، به منظور شناخت مسئولین، مردم و به ویژه نسل جوان، در جهت نهادینه نمودن در کلیه‌ی شئون زندگی‌شان معرفی می‌نمایند؛ به طوری که می‌توان گفت هدف رهبر انقلاب اسلامی از بیان این شعارها، یک گفتمان‌سازی جدید دینی و اسلامی است و یکی از گفتمان‌های مورد نظر ایشان، گفتمان سبک زندگی اسلامی است که به طور مشخص در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۱ به آن پرداخته و نقش و جایگاه

آن را در تمدن نوین اسلامی ایران تشریح نموده‌اند که مورد استقبال جامعه‌ی علمی و فرهیخته نیز قرار گرفته است.

بدین ترتیب، اساسی‌ترین سؤال این مقاله، شناسایی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های سبک زندگی مورد نظر مقام معظم رهبری می‌باشد که به اقشار مختلف جامعه، به ویژه قشر جوان، کمک می‌کند در راستای هرچه بیشتر دینی نمودن زندگی‌شان، در جهت هویت‌یابی فردی و اجتماعی خود نیز گام بردارند؛ زیرا در دهه‌های اخیر در میان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فرهنگ جوانان نقش فرآیندهای فرهنگی فراملی پررنگ‌تر شده است و جهانی شدن فرآیندهای تولید و مصرف کالاها، فرهنگی نقشی تعیین‌کننده در این زمینه داشته‌اند (شالچی، ۱۳۸۶: ۹۴).

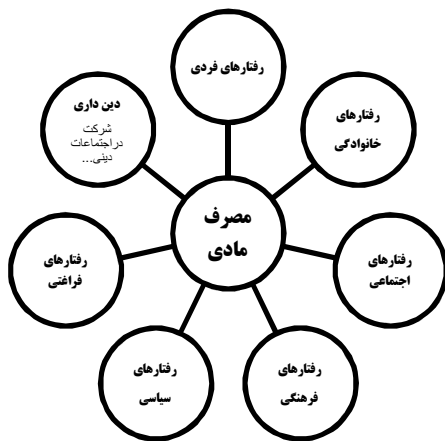
۱- ادبیات پژوهش:

۱-۱- ادبیات تجربی

درباره‌ی موضوع سبک زندگی، کتاب، مقاله و پژوهش‌های علمی و دانشگاهی زیادی نگاشته شده است. در بسیاری از این پژوهش‌ها سبک زندگی هست به عنوان متغیر مستقل دانسته و رابطه‌ی آن را با متغیرهای وابسته‌ای همچون: اقشار مختلف جامعه (زنان، مردان، جوانان...)، هویت اعم از ملی، محلی، قومیت‌ها و... با روش‌های مختلف تحقیق مورد واکاوی قرار داده‌اند. و با بررسی‌های به عمل آمده توسط نگارنده، تاکنون یک کار علمی و دانشگاهی پیرامون سبک زندگی اسلامی از منظر مقام معظم رهبری انجام نشده است، از این رو، موضوع این پژوهش بدیع و جدید می‌باشد؛ افزون بر این نیز پژوهشگر، ضمن بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان، وجوه تمایز و تشابه سبک زندگی از منظر رهبر معظم انقلاب را با نظرات جامعه‌شناسان بررسی نموده است.

۲- ادبیات نظری

۲-۱) مفهوم سبک زندگی: سوبل: سبک زندگی را، مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و بیان‌گرانه در میان افراد می‌داند (Sobel, 1981: 1).



از نظر چینی سبک زندگی، مجموعه‌ای از اعمال و نگرش‌هایی است که در متن و زمینه‌های خاص قابل درک می‌باشند (همان: ۴) (Chaney, 1996:4). گیدنز^۱ سبک زندگی را به مجموعه‌ای از رفتار تعبیر کرده که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری خود را برآورد، بلکه بیانگر هویت شخصی خودش در برابر دیگران نیز باشد (گیدنز، ۱۹۹۵: ۲۰). بوردیو^۲ سبک‌های زندگی، شیوه‌های مصرف‌عاملان

اجتماعی‌ای است که دارای رتبه‌بندی‌های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی‌اند. این شیوه‌های مصرفی بازتاب نظام اجتماعی سلسله‌مراتبی است همان‌طور که بوردیو در کتاب تمایز بر حسب منطق دیالکتیکی نشان می‌دهد مصرف صرفاً راهی برای نشان دادن تمایزات نیست، بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز است (باکاک، ۱۹۹۳: ۹۶).

۲-۲) دال‌های گفتمان سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسان:

دال‌های گفتمان سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسان از گستردگی زیادی برخوردار است؛ به گونه‌ای که راجر برون معتقد است: این دال‌ها، در بی‌اهمیت‌ترین چیزها از قبیل: عادات نوشیدن و خوردن سالاد شکل گرفته تا انتخاب کلمات و طرز پوشش و عادت نشستن، همچنین، شیوه‌های تربیت کودکان، رفتارهای جنسی، بهداشتی، مذهبی و سیاسی و میزان عصبی یا روانی بودن (Brown, 1965: 132). بنابراین شاخص‌ها در این پژوهش سعی شده به شاخص‌های مهم و پرکاربرد اشاره گردد.

1 - Giddens
2 - Bourdieu

تورستین وبلن: اثاثیه و دکوراسیون منزل، نوع پوشاک و لباس، رفتارهای بیان‌گر نجیب‌زادگی و طبقه‌ی مرفه، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح، داشتن پیشخدمت و... است.

ماکس وبر: شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده‌ی گروه‌های منزلتی متفاوت می‌باشد (تامین، ۱۹۶۷: ۱۱۰).

ویلیام لویید وارنر: محل اقامت خانواده، شیوه‌ی کسب معاش، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و سلیقه‌ی فرهنگی، تفریحات و سلیقه‌های ورزشی، به تفاوت‌های دینی و چشم‌اندازهای اخلاقی، ارزش‌های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و تربیت کودک در تحقیقات خود پرداخته است (تامین، ۱۹۶۷: ۴۴-۱۳۷).

گیدنز: پوشاک و لباس، خوردن و نوع غذا و نوشیدنی، محیط کار و کلیه انتخاب‌های سرنوشت ساز زندگی مدنظر می‌باشد که وی معتقد است این شاخص‌ها، در چگونه بودن افراد در جامعه بسیار مؤثر هستند و در واقع بیانگر هویت فردی آنان در قالب الگوهای سبک زندگی می‌باشد (گیدنز، ۱۹۹۵: ۱۲۰).

بوردیو: خانه، ویلا، قایق تفریحی، ماشین، اثاثیه، نقاشی‌ها، کتاب‌ها، نوشابه‌ها، سیگارها، عطر، لباس‌ها و انواع فعالیت‌هایی که از دیگران متمایز می‌کنند از قبیل: ورزش‌ها، بازی‌ها، تفریحات (پیاده‌روی، کوه‌پیمایی...)، لباس پوشیدن، رسیدگی به ظاهر بدن خود، نحوه استفاده از زبان (Bourdieu, 1984: 173).

۳-۲) جمع‌بندی دال‌های گفتمان سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسان

با بررسی شاخص‌های سبک زندگی مورد نظر جامعه‌شناسان، می‌توان دال اصلی این گفتمان را مصرف مادی قرارداد؛ زیرا اساساً سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسان، چگونگی و نوع مصرف مادی می‌باشد که هر یک به صراحت این موضوع را بیان کرده‌اند. برای نمونه، دیوید چینی معتقد است: الگوی مصرف، قابل مشاهده‌ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است که بدین ترتیب، او سبک زندگی را «سازمان اجتماعی مصرف» می‌نامد (خادمیان، ۱۳۸۸: ۲۳). دال‌های فرعی این گفتمان نیز شامل: رفتارهای فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، فراغتی، سیاسی و دین‌داری است.

۴-۲) نظریه‌های سبک زندگی جامعه‌شناسان

با توجه به این که جامعه‌شناسان زیادی پیرامون سبک زندگی اظهار نظر کرده‌اند، ولیکن نظرات اندیش‌مندانی مانند ویلن، زیمل، وبر و به ویژه بوردیو از دیگران برجسته‌تر به نظر می‌رسد که به طور اختصار به آن اشاره خواهد شد.

ویلن (۱۹۲۹-۱۸۵۷) اصطلاح مصرف متظاهرانه یا خودنمایانه را مطرح کرد که بعدها دارای کاربرد فراوانی شد و منظور او از این اصطلاح این بود که الگوهای مصرف طبقه‌ی تن‌آسا، نه برای برآورده کردن نیازهای واقعی، بلکه برای مطرح ساختن ادعاهای اعتبار اجتماعی طرح گردیده‌اند. این الگوها براتلاف بنیاد نهاده شده‌اند: اعم از اتلاف وقت، کار و کالاهای. بنابراین، ویلن آن‌ها را به مثابه کنش‌های مصرف می‌دید که هیچ کمکی به افزایش بهبود و آسایش بشر نمی‌کند (کیویستو، ۱۹۹۸: ۵۶-۵۵). در واقع، مصرف از منظر او، کنش نمادینی است که از طریق آن، طبقه‌ی مرفه می‌کوشد با مصرف اسراف آمیز، تمایزات خود را از طبقات اجتماعی پایین‌تر نشان دهد؛ البته ویلن برخی از ویژگی‌های طبقه‌ی تن‌آسا را این گونه برشمرده است: مصرف متظاهرانه و بی‌حد و حصر، مهمانی و هدیه دادن زیاد، داشتن حیوانات خانگی (به ویژه سگ)، استفاده از کالاهای لوکس و تزئینی (و کتاب‌های عتیقه) در منزل و...

جورج زیمل (۱۹۱۸-۱۸۵۸) نیز نخستین جامعه‌شناسی بود که به جهان فراغت و پدیده‌ی مصرف‌گرایی نیز توجه نمود. این موضوع در مقاله‌ی او با عنوان «مُد» (۱۹۰۴) قابل مشاهده است؛ او در این مقاله، دلایل تعدد تغییر مُد مانند پوشاک، آشپزی، هنر، معماری و موسیقی، در فرهنگ مدرن را جستجو و بررسی کرد؛ به نظر او، در دوران مدرن، برخلاف گذشته، چنان انواع گسترده‌ای از انتخاب برای مصرف‌کننده عرضه می‌شود که به افراد امکان می‌دهد خود را از دیگران متمایز سازند. مردم به مُدهای جدید و متفاوت با آهنگی پر شتاب‌تر جذب می‌شوند. زیرا می‌خواهند به هویت شخصی متمایز خود شکل دهند. با وجود این، مُد، تنها مساله‌ی انتخاب‌های فردی نیست، بلکه این انتخاب‌ها تقسیمات طبقاتی و تحرک اجتماعی را سامان می‌دهد (همان: ۱۷۹). از نظر زیمل، «مُد» به منزله‌ی تمایز طبقاتی نه تنها فرد را به مثابه عضوی از یک طبقه خاص متمایز می‌کند، بلکه عدم عضویت او در گروه‌های دیگر را نیز برجسته می‌سازد. بدین ترتیب، از نظر زیمل، مُد نتیجه‌ی تقاضای اجتماعی است (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۵۰-۱۴۹).

ماکس وبر (۱۹۲۰-۱۸۶۴) مفهوم سبک زندگی در نظرات وبر، با موضوع قشربندی مرتبط است؛ به طوری که، برای بررسی قشربندی اجتماعی، علاوه بر مفهوم طبقه و حزب، به مفهوم گروه منزلت نیز اشاره می‌کند (کوزر، ۱۹۷۱: ۳۱۳). در نظر وی، افتخار منزلت به طور معمول، در سبک زندگی خاصی انتظار می‌رود که از همه‌ی کسانی که دوست دارند در این حلقه‌ی منزلتی عضو باشند، بروز می‌کند؛ به طوری که این انتظارات، افراد گروه منزلت را به تعامل اجتماعی و رفتار در محدوده‌ای خاص متعهد می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸). ملوین تامین معتقد است ماکس وبر واژه‌ی سبک زندگی را برای اشاره به شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت است، به کار گرفت؛ بر همین اساس تلاش کرد اصطلاح «سبک زندگی» را به مفهوم شرف یا تشخیص رفتاری فردی را که معرف درجه‌ای از آبرومندی است، بیفزاید (تامین، ۱۹۶۷: ۱۱۰).

پی‌یر بوردیو (۲۰۰۲-۱۹۳۰) شاید تنها جامعه‌شناسی است که بنیان نظری محکمی برای تحلیل مصرف پدید آورده و تنها نظریه‌پردازانی باشد که نظراتش تا به این حد دارای انسجام و قدرت تبیین‌کنندگی است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۴) او در نظر داشت، تحلیل کند چگونه گروه‌های خاص به ویژه طبقات اجتماعی-اقتصادی از میان سایر چیزها، انواع کالاهای مصرفی، روش‌های آرایه‌ی خوراک و غذا خوردن، مبلمان و تزئین داخلی منزل را به کار می‌گیرند تا روش زندگی مجزای خود را مشخص نموده و خود را از دیگران متمایز سازند (باکاک، ۱۹۹۳: ۹۲).

مفهوم طبقه به نظر بوردیو برخلاف مارکس، که صرفاً اقتصادی بوده، بر مبنای سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی معرفی شده است؛ به گونه‌ای که حجم و انواع سرمایه‌ها طبقه را شکل داده و منش افراد نیز درون هر طبقه را به یکدیگر متصل کرده است، از این رو، بر مبنای این منش مشترک سبک‌های زندگی شکل می‌گیرد. این که سبک‌های زندگی و ذایقه‌هایی که بر مبنای سرمایه‌های بالا شکل می‌گیرد، به مصرف کالاهایی می‌انجامد که تمایز اجتماعی ایجاد می‌کند و این منطق تمایز در مصرف، مورد توجه بوردیو قرار گرفته است (حمیدی، ۱۳۸۶: ۹۲). بنابراین، بوردیو، مصرف را به منزله‌ی نظامی از نشانه‌ها و نمادها می‌داند که کارکردهایی از قبیل تمایز‌گذاری اجتماعی دارد؛ به طوری که مصرف به منزله‌ی استفاده از نظامی از نشانه‌ها و نمادها

می‌باشد (بوردیو، ۱۹۷۹: ۹۲).

بوردیو در کتاب تمایزش، برای شکل‌گیری کنش یا عمل، به چگونگی ارتباط میان سه مفهوم منش، سرمایه و میدان پرداخت که به نظر می‌رسد، آن چه که اصطلاحاً به عنوان نخ تسبیح این سه مهره یا مفهوم از اهمیت خاصی برخوردار است، مفهوم سلیقه در منظر او است، زیرا بوردیو ذوق و سلیقه را فرمول مولد سبک زندگی معرفی کرده و معتقد است ذایقه و ترجیحات زیباشناختی متفاوت، سبک‌های زندگی متفاوتی را ایجاد می‌کنند؛ به گونه‌ای که سبک زندگی در واقع، عینیت یافته سلیقه و ترجیحات افراد می‌باشد (باکاک، ۱۹۹۳: ۹۶).

۲- روش شناسی پژوهش

با توجه به موضوع این مقاله که چستی و چگونگی گفتمان سبک زندگی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری است. از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه استفاده شده است؛ زیرا این رویکرد جزو رهیافت‌های تحلیل گفتمان اندیشه محور بوده و دارای یک چهارچوب منسجم بوده که جنبه‌های فرهنگی-اندیشه‌ای را مورد مطالعه قرار می‌دهد و با استفاده از مفاهیمی مانند: دال مرکزی، برتر و فرعی و مفصل بندی، توان توصیف و شناخت عناصر اصلی و غیراصولی گفتمان رهبری را دارا می‌باشد؛ بنابراین، می‌تواند روش تحلیل مناسبی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش قرار گیرد.

تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

از نظر لاکلا و موفه، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد. فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است، کسب می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

لاکلا و موفه گفتمان را این گونه تعریف کرده‌اند: هر عملی که به برقراری رابطه‌ی بین عناصر منجر شود، به گونه‌ای که هویت این عناصر در نتیجه این عمل تعدیل شود، مفصل بندی نامیده و کلیت ساختاردهی شده‌ی حاصل از عمل مفصل بندی را گفتمان معرفی کرده‌اند؛ بنابراین، گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول نقاط یا دال

مرکزی خاصی شکل می‌گیرد و دال مرکزی نیز نشانه‌ی ممتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند و سایر نشانه‌ها، شامل دال‌های فرعی و شناور، معنای خود را از رابطه‌شان با دال مرکزی اخذ می‌کنند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۵۷). البته یکی از مفاهیم مهم در تحلیل گفتمان لا کلا و موفه مفصل بندی است که عبارتست از: هر نوع عملی که سبب شود عناصر مختلف به نحوی با هم ترکیب گردند که هویت‌شان، در نتیجه‌ی عمل مفصل‌بندی، دست‌خوش تغییر شود (Laclau & moufe, 1985: 105). بنابراین، گفتمان کلیت ساختاردهی شده‌ای است که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود که در این صورت، گفتمان‌ها مفصل بندی و صورت بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیا، افراد و... هستند و پیرامون یک دال اصلی و کلیدی جایابی شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از غیریت‌ها به دست می‌آورند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۹).

۳- تحلیل یافته‌های پژوهش

۱- تعریف سبک زندگی اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب: مفهوم معادل سبک زندگی اسلامی در نظر مقام معظم رهبری «حیات طیبه‌ی اسلامی» است که آن را وعده‌ی قرآن کریم دانسته‌اند^۱ و در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۱ مشخصاً از سبک زندگی اسلامی نام برده و آن را بخش حقیقی و اساسی تمدن نوین اسلامی معرفی کرده‌اند و ضمن اشاره به توجه عمیق اسلام به مفهوم سبک زندگی، بیان داشته‌اند: «در معارف اسلامی، اصطلاح «عقل معاش» در مفهوم جامع خود، مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد؛ نکته‌ی قابل تأملی که مقام معظم رهبری در این سخنرانی بیان کرده‌اند، عبارتست از: «فرهنگ زندگی، متأثر از تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی را برای زندگی تعیین کنیم، سبک خاصی را به همراه می‌آورد»؛ بنابراین، هدف در زندگی با انتخاب سبک زندگی رابطه‌ی مستقیم دارد. زیرا ایشان معتقد است: «زندگی‌ای که هدفی مقدس و الهی را دنبال نمی‌کند و این حیات و سرمایه، در همین مدت کوتاه که در دست ماست، صرف

۱- سخنرانی در صحن جامع رضوی مشهد مقدس در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲

این می‌شود که به ما خوش بگذرد، زندگی ضایع شده‌ای است^۱ از طرفی، مقام معظم رهبری ضمن این که معتقدند: اسلام، دنیا را وسیله‌ای در دست انسان برای رسیدن به کمال می‌داند، دنیا را نیز با دو مفهوم انسان و جهان معنا می‌کند و بر این باور است که «زندگی انسان‌ها، تلاش انسان‌ها، خرد و دانایی انسان‌ها، حقوق انسان‌ها، وظایف و تکالیف انسان‌ها، صحنه‌ی سیاست انسان‌ها، اقتصاد جوامع انسانی، صحنه‌ی تربیت، صحنه‌ی عدالت؛ این‌ها همه میدان‌های زندگی است. به این معنا، دنیا میدان اساسی وظیفه و مسئولیت و رسالت دین است» بنابراین دین آمده است تا در این صحنه‌ی عظیم و در این عرصه‌ی متنوع، به مجموعه‌ی تلاش انسان شکل و جهت بدهد و آن را هدایت کند^۲ از این رو، به تعبیر بوردیو، با توجه به اینکه سرمایه به میدان معنا می‌بخشد؛ به گونه‌ای که حجم و ترکیب انواع سرمایه‌ها نزد فرد، جایگاه او را در سلسله مراتب میدان تعیین می‌کند؛ بنابراین، انسان‌ها در میدان زندگی یا عرصه‌ی اجتماعی، می‌بایست از میزان سرمایه‌ی دینی بیشتری برخوردار باشند که بتوانند دارای جایگاه یک فرد دین‌دار بوده و به همین نسبت نیز سبک زندگی خود را دینی نمایند. با این حال، در یک جمع‌بندی، می‌توان سبک زندگی اسلامی از منظر مقام معظم رهبری را این‌گونه تعریف نمود: زندگی‌ای که در راه خدا و برای رسیدن به هدف‌های عالی مورد نظر اسلام^۳ باشد به گونه‌ای که ضمن توجه به دنیا و تأمین همه‌ی خیرات مورد علاقه‌ی انسان^۴ که از یک معیشت شایسته و مناسب برخوردار باشد، در این گونه زندگی متوقف نشده و از آن عبور کرده و به سمت اهداف الهی و آخرتی نیز حرکت نماید^۵ و در واقع دنیا و آخرت را با هم داشتن یا ماده و معنا را با هم داشتن^۶ مد نظر رهبر انقلاب می‌باشد و داشتن چنین سبک زندگی که براساس آموزه‌های دین اسلام است، کام انسان را

۱- سخنرانی در دیدار نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۱/۳/۲۰

۲- سخنرانی در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی «قدس سره» در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱۴

۳- سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زایران حضرت رضا «علیه‌السلام» در تاریخ ۱۳۷۰/۱/۲۹

۴- سخنرانی در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه، روحانیون، مسئولان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اقشار مختلف مردم و خانواده‌های معظم شهدای استان های یزد و کهگیلویه و بویراحمد در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۱

۵- سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۸

۶- سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زایران حضرت رضا «علیه‌السلام» در تاریخ ۱۳۷۰/۱/۲۹

شیرین کرده و احساس آرامش و آسایش را برای او به ارمغان می‌آورد^۱ بنابراین، سعادت دنیا، عقبی و تعالی معنوی انسان‌ها از کارکردها و اثرات سبک زندگی اسلامی می‌باشد.

۲- دال‌های گفتمان سبک زندگی اسلامی از منظر مقام معظم رهبری: با توجه به این که مقام معظم رهبری، یک مرجع دینی به‌شمار می‌رود و کلیه‌ی نظراتش براساس آموزه‌ها و تعالیم دین اسلام است که از منابع چهارگانه‌ی قرآن، احادیث معصومین، عقل و اجماع می‌باشد، دال اصلی، منش اسلامی به‌شمار می‌رود؛ البته براساس روش تحلیل محتوای کیفی و کمی نیز، منش اسلامی در سخنان ایشان دارای بیشترین فراوانی می‌باشد که سایر شاخص‌ها و دال‌های سبک زندگی اسلامی در منظر معظم‌له، حول این دال اصلی جایابی شده و معنا می‌یابند.

۱-۲) دال مرکزی منش اسلامی: رهبر انقلاب، برای اولین بار مفهوم «منش اسلامی» را در تاریخ ۱۳۷۰/۴/۱۸ به کار بردند؛ در این سخنرانی، خطاب به مسئولان وزارت امور خارجه، سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران بیان داشتند: «شما که مأمور وزارت خارجه هستید به خصوص سفرا که در خارج هستند، و در درجه‌ی دوم کسانی که به خارج رفت و آمد دارند کار و منش شخصی شما، با منش شخصی عضوی در یک وزارت خانه‌ی دیگر متفاوت است... اگر شما در سفارت خانه، مسلمان زندگی کنید و همسر و فرزندان و کارمندان شما روش مسلمانی داشته باشند، فرق می‌کند با این که یک هم‌سطح و هم‌رتبه‌ی شما در وزارت دیگری از وزارت خانه‌های ما، منش اسلامی داشته باشد...»

مقام معظم رهبری در واقع با توجه به اینکه میدان اجتماعی جدیدی پیش روی مأموران وزارت امور خارجه در خارج از کشور ایجاد شده؛ به گونه‌ای که شرایط این میدان می‌تواند برکنش‌های این عوامل اجتماعی مؤثر واقع شود، توصیه می‌کند که بر

۱- سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت فرارسیدن ۱۹ دی‌ماه (سالروز قیام مردم قم) در تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

۲- سخنرانی در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم استان‌های ایلام و فارس و گروهی از طلاب پاکستانی در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۲

ساختارهای درونی شده‌ی خود، پایبند بمانند و به وسیله‌ی این خلق و خوی‌های پایداری که به واسطه‌های آموزه‌های دین اسلام در میدان اجتماعی بومی خود کسب کرده‌اند، کنش‌های خود را کنترل نموده و بتوانند هویت خود را به واسطه‌ی چگونگی ظهور و بروز کنش‌های‌شان که همان سبک زندگی اسلامی است، معرفی نمایند؛ تا بدین ترتیب، بتوانند وظیفه‌ی حضور خودشان را به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران در آن کشور به خوبی ایفا نمایند؛ همان‌گونه که در نظریه‌ی بوردیو اشاره شد، اساساً «یک‌دست شدن سبک زندگی» یکی از کارکردهای ویژه‌ی منش است؛ به طوری که این اصل وحدت بخش و مولد است؛ به طوری که ویژگی‌های اساسی و رابطه‌ای یک موقعیت اجتماعی را به شکل نوعی «سبک زندگی» یک دست و یک پارچه، یعنی به شکل مجموعه‌ی یک دستی از انتخاب‌ها، کنش‌ها و دارایی‌ها در می‌آورد؛ دقیقاً مانند موقعیت‌های اجتماعی‌ای که پدیدآورنده‌ی آن‌ها هستند، تفکیک شده‌اند، اما درعین حال تفکیک کننده نیز می‌باشند (جلایی پور، ۱۳۸۸: ۳۳۰-۳۲۹). بر همین اساس، اگر نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به تمایلات دینی خود و یا همان ساختار اسلامی درونی شده‌ی خود عمل نمایند، می‌توانند یک سبک زندگی یک دست و یک پارچه را که مبین هویت آنانست، به نمایش بگذارند.

بدین ترتیب، وقتی مقام معظم رهبری رعایت منش اسلامی را در کشورهای خارجی به سفرای جمهوری اسلامی ایران یادآوری می‌کنند، در واقع، از منظر لاکلا و موفه، ایشان منش اسلامی را در تقابل و غیریت سازی منش غربی ارایه داده است زیرا، معتقدند: «وقتی در کشور ما کسانی هستند که به دین و اخلاق پشت می‌کنند و درواقع لباس، خط، گذشته و مفاخرشان را کنار گذاشته و فراموش کنند، یعنی منش خود را تغییر داده و منش غربی را پذیرفته اند؛ یعنی، دارای آداب، تفکر و فرهنگ غربی شده‌اند [براین باورند] اساساً انقلاب اسلامی [و منش اسلامی] درمقابل یک چنین وضعیتی [منش غربی] قیام کرده است»^۱

۲-۲) **دال بر ترمعنویت:** معنویت در سبک زندگی دینی و اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و دارای گستردگی زیادی نیز می‌باشد

۱- سخنرانی در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنجد در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۲

که صرفاً به دو موضوع آن اشاره می‌شود.

۱-۲-۲) **ضرورت و اهمیت معنویت در زندگی:** مقام معظم رهبری، ضمن تأکید بر این که «بیشترین جاذبه‌ی اسلام، مربوط به همین معنویت است»^۱ اعتقاد دارند: اساساً «دین اسلام، دین معنویت است»^۲ البته، اسلام مدّ نظر خود را در اصول و مبانی با اسلام متحجرین و اسلام لیبرال متفاوت دانسته و اسلامی را معرفی می‌کند که متکی بر سه شاخص عمده‌ی «معنویت»، «عقلانیت» و «عدالت» است و ضمن توجه بر دو عنصر عقلانیت و عدالت، بر این باور است که «ما از معنویت به هیچ عنوان صرف نظر نمی‌کنیم؛ روح و اساس کار ما معنویت است»^۳.

علت اصلی توجه رهبرانقلاب اسلامی بر ضرورت معنویت در زندگی اینست که «معنویت در وجود یک انسان، برای او مایه‌ی هدف‌دار شدن است؛ زندگی او را معنادار می‌کند و به آن جهت می‌دهد. هم‌چنان که آرمان‌های معنوی و اخلاقی، زندگی یک جامعه و یک کشور و یک ملت را جهت‌دار می‌کند؛ به تلاش و مبارزه‌ی آن‌ها معنا می‌دهد و برای انسان هویت می‌سازد»^۴.

۲-۲-۲) **نقش معنویت در سبک زندگی:** یکی از تفاوت‌های اساسی میان سبک زندگی اسلامی با سایر سبک‌های زندگی موجود در دنیا، وجود معنویت است و بدین سبب، زندگی بشر امروز، که در چارچوب تمدن‌های مادی دنیا و تحت تربیت مکتب‌های حاکم بر جهان است و انسان یک بعدی را که سرگرم زندگی مادی است، معرفی می‌کند؛ انسانی که سرگرم زندگی و مادّیت و تأمین شکم و رفاهند^۵ با زندگی انسانی که معنویت در تمامی شئون زندگی‌اش اعم از ارتباط قلبی با خدا، توجه به قرآن، دعا و مناجات، داشتن نظم در امور و تقوا... تفاوت دارند که با توجه به روش

۱ - سخنرانی در دیدار با اعضای مجلس خبرگان در تاریخ ۱۳۶۹/۴/۲۵

۲ - سخنرانی در بازدید از بازدید از توان‌مندی‌های صنعت خودروسازی در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۹

۳ - سخنرانی در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۲۵

۴ - سخنرانی در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سال‌روز میلاد امام حسین (علیه‌السلام) و روز پاسدار در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۱۷

۵ - سخنرانی در دیدار با هیئت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیئت اجرایی انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس و خانواده‌های شهدا، اسراء، مفقودان و جانبازان استان‌های فارس و همدان در تاریخ ۱۳۶۸/۹/۲۲

این پژوهش، یعنی تحلیل گفتمان براساس نظرات لاکلا و موفه، دقیقاً معنای غیریت سازی و تقابل را در ذهن متبادر می‌سازد؛ به گونه‌ای که مقام معظم رهبری، براساس آموزه‌های دینی، یعنی اعتقاد به آخرت در زندگی بشر، تأکید نمودند: «محدود شدن دید انسان‌ها در زندگی به دنیا، یکی از خصوصیات نظام جاهلی است که همه چیز انسان‌ها صرفاً در زندگی دنیا خلاصه می‌شود و این که انسان کاری بکند و آن را به حساب خدا و معنویت و روز جزا بگذارد، در این زندگی وجود ندارد؛ در مقابل، یکی از خصوصیات اسلام این است که همه‌ی زندگی و همّت انسان، محدود به حیات دنیا نباشد و این خصوصیات بعثت است که نقطه‌ی مقابل آن، جاهلیت قرار دارد»^۱ در نتیجه، وجود یا عدم وجود معنویت و اخلاق در زندگی نقطه‌ی متمایز انسان مادی‌گرا و انسان الهی و اسلامی به شمار می‌رود.

بدین ترتیب، رهبرانقلاب اسلامی، ضمن این که هدف اصلی وقوع انقلاب اسلامی ایران و اولین پیام این انقلاب را «ورود معنویت در زندگی مردم» معرفی کرده‌اند^۲ بر این باور است که وجود خداوند متعال و دین و معنویت در زندگی، سبک زندگی متفاوتی را نیز برای انسان‌ها رقم خواهد زد که در زندگی مردم اثر گذاشته و به فعالیت‌های آنان شکل می‌دهد^۳ با توجه به گستردگی این شاخص در نظرات ایشان، صرفاً به بیان تیرهای این موارد اکتفا می‌شود:

۱. معنویت و اخلاق، زمینه‌های تحقیق رفاه عمومی در جامعه^۴

۲. نقش مؤثر معنویت در شئون زندگی^۵

۳. معنویت، عامل مهم هویت اسلامی و دینی^۶

-
- ۱ - سخنرانی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۰
 - ۲ - سخنرانی در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) در مرقد مطهر در تاریخ ۱۳۷۴/۳/۱۴
 - ۳ - سخنرانی در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۲۰
 - ۴ - سخنرانی در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و مردم استان خوزستان، و روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم گلپایگان، دشتستان، شبستر و خامنه در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۱
 - ۵ - سخنرانی در دیدار ورزشکاران جانباز در تاریخ ۱۳۷۴/۶/۲۳ - بیانات در مراسم اعطای سردوشی در دانشگاه دریایی امام خمینی(قدس سره) و دانشگاه علوم و فنون دریایی سپاه نوشهر. در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۲۹ و...
 - ۶ - سخنرانی در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین(علیه السلام) و روز پاسدار در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۱۷

۴. عدم معنویت در زندگی یک انحراف است^۱
۵. تأثیر معنویت در سلیقه های افراد جامعه^۲
۶. گرایش به معنویت در زندگی از معیارهای اصلی جمهوری اسلامی^۳
۷. توصیه به معنویت در مناسک دینی^۴
۸. افول معنویت در دنیا و ترویج مادی‌گری^۵

۳-۲) **دال بر تو حفظ مناسک و شعایر اسلامی:** یکی از شاخص‌هایی که مقام معظم رهبری برای ایجاد، تقویت و تحکیم احساسات دینی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها لازم و ضروری می‌دانند، برپایی مناسک و شعایر اسلامی است که به عقیده‌ی دور‌کیم، از طریق مشارکت افراد در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می‌شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شوند. همچنین، همین مناسک است که احساسات دینی را ایجاد، تقویت و تجدید می‌کند (Hamilton, 1995: 176). بدین ترتیب، رهبر انقلاب اسلامی، معتقدند «اکثر فرایض عبادی اسلام حتی نماز یک جنبه‌ی اجتماعی هم دارد»^۱ رهبر انقلاب اسلامی، برگزاری مناسک و شعایر اسلامی را برای حفظ معنویت در زندگی انسان‌ها ضروری دانسته، بنابراین، بر حفظ مناسک دینی و اسلامی تأکید می‌نمایند و به طور مشخص بر مناسک حج تأکید داشته و برپایی این مناسک را با استناد به قرآن کریم و فرموده‌ی پیامبر اکرم «ص»، تأمین‌کننده‌ی کمال فرد و عزت امت پنداشته‌اند.^۷

دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، نسبت به شعایر اسلامی، بر نمادین بودن آن تأکید

- ۱ - سخنرانی در دیدار فرماندهان گردان‌ها، گروهان‌ها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجاد(علیه‌السلام) در تاریخ ۱۳۷۱/۴/۲۲
- ۲ - همان
- ۳ - سخنرانی در دیدار استانداران سراسر کشور در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۸
- ۴ - سخنرانی در دیدار کارگزاران حج در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱۶ و...
- ۵ - سخنرانی در دیدار با هیئت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیئت اجرایی انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس و خانواده‌های شهدا و جانبازان استان‌های فارس و همدان در تاریخ ۱۳۶۸/۹/۲۲ و...
- ۶ - سخنرانی در دیدار با حجة الاسلام محمدی ری شهری و دست‌اندرکاران امور حج در تاریخ ۱۳۷۶/۱۲/۱۳
- ۷ - پیام به حجاج بیت‌الله الحرام در تاریخ ۱۳۷۴/۲/۱۴

دارد؛ به گونه‌ای که معظم‌له معتقدند شعایر، ضمن این که تبلور یک حرکت در جامعه است، بیشترین تأثیرش، جنبه‌ی نمادین آن می‌باشد^۱ در این خصوص، نظر رابرت اسمیت برای درک صحیح نظر مقام معظم رهبری راه‌گشاست؛ به طوری که وقتی اسمیت، دو نوع کارکرد دین، شامل تنظیم‌کنندگی و برانگیزانندگی را بیان می‌کند، مناسک را بیان تکراری وحدت و کارکردهایی می‌داند که اشتراک اجتماعی را تحکیم می‌بخشد (Hamilton, 1995, 170). مقام معظم رهبری نیز در پیام خود به حجاج بیت‌الله الحرام تأکید نموده‌اند: «حج با مشاهد و مناسک و شعایر خود، باید این روح وحدت و ملایمت و جماعت و عظمت را در مسلمانان همه‌ی اقطار عالم زنده کند و از شعوب و قبایل مختلفه، امت واحده پدید آورد و آن امت واحده را به وادی امن عبودیت مطلق خداوند هدایت نماید و مقدمات تحقق گفته‌ی خدای بزرگ را که: «انّ هذه اُمَّتکم أُمَّةٌ واحدةٌ و انا ربکم فاعبدون» فراهم آورد»^۲.

نکته‌ی مهمی که مقام معظم رهبری در خصوص برپایی مناسک دینی و اسلامی بر روی آن تأکید دارند، اینکه ایشان مراد از تدین را، مقدّس مآبی و گرایش به ظاهر نمی‌دانند؛ البته ظواهر را مهم دانسته و ضمن اینکه معتقدند باید حتماً ظواهر را هم رعایت کرد، بر این نکته تأکید دارند که نباید مسایل شعاری دینی را دست کم گرفت که بسیار مؤثر است؛ ولیکن می‌بایست در کنار آن کارهای عمیق، مبنایی، فکری و اعتقادی انجام گیرد^۳ ایشان درجای دیگری ضمن اینکه مناسک فردی و اجتماعی دینی - اسلامی از قبیل: نماز، روزه، اعتکاف را کلید موفقیت انسان‌ها دانسته‌اند، در خصوص چگونگی برپایی مناسک اسلامی معتقدند: «ظاهر دینی، ظاهر اسلامی، پای‌بندی به تعبد دینی، همین مجالس دعا، همین مجالس توسل به ائمه «علیهم السلام» لازم است»^۴.

۱ - سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان جوان در تاریخ ۱۳۸۵/۶/۲۵

۲ - پیام به حجاج بیت‌الله الحرام در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶

۳ - سخنرانی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۲۳

۴ - سخنرانی در دیدار دانشجویان بسیجی در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۵

۴-۲) **دال فرعی الگو داشتن در زندگی:** مقام معظم رهبری با استناد به آیات مرتبط قرآن کریم^۱ توجه خاصی به الگو اعم از ضرورت الگو در زندگی و نقش مؤثر آن در حیات طیبه‌ی اسلامی نموده است به طوری که تأکید داشته‌اند: «خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر تبعیت کنیم؛ این تبعیت، در همه چیز زندگی است. آن بزرگوار، نه فقط در گفتار خود، بلکه در رفتار خود، در هیئت زندگی خود، در چگونگی معاشرت خود با مردم و با خانواده، در برخوردش با دوستان، در معامله‌اش با دشمنان و بیگانگان، در رفتارش با ضعفا و با اقویا، در همه چیز اسوه و الگوست. جامعه‌ی اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه‌ی اسلامی کامل است، که خود را بر رفتار پیامبر منطبق کند. اگر به طور صددرصد مثل رفتار آن حضرت، عملی نیست که نیست، لااقل شباهت به آن بزرگوار باشد؛ عکس جریان زندگی نبی اکرم بر زندگی ما حاکم نباشد؛ در آن خط حرکت بکنیم»^۲. بنابراین، ایشان، نقش الگو در زندگی را بسیار مهم دانسته تا آن جا که از ضروریات زندگی معرفی کرده است که می‌توان با تاسی و پیروی از الگو به راه سعادت نایل گردید.

۴-۱-۲) **معنای الگو:** معنای الگو از منظر مقام معظم رهبری این گونه است: «الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای این که آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد، با آن الگو تطبیق داده شود؛ این الگو دیگر مخصوص جمعی خاص نیست؛ حتی مخصوص مسلمانان هم نیست. این که می‌بینید چهره‌ی امیرالمؤمنین، این قدر در تاریخ جذاب است، به خاطر همین خصوصیات است. لذا کسی که دین اسلام را هم قبول ندارد یا امامت آن بزرگوار را هم تصدیق نکرده است، او هم در مقابل عظمت این خصوصیات، در وجود خود احساس تعظیم می‌کند و خواه ناخواه زبان به ستایش او می‌گشاید. بنابراین، این خصوصیات برای همه الگوست و ما که امروز یک حکومت اسلامی داریم و یک حکومت علوی را ادعا می‌کنیم، این الگو برای ما از همه حتمی‌تر و فوری‌تر و غیر قابل اغماض‌تر است»^۳.

۱ - لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب - ۲۱)

۲ - خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۵

۳ - سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین علی «علیه السلام» در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۳۰

۲-۴-۲) **ضرورت و اهمیت الگو در زندگی:** رهبر انقلاب اسلامی، با توجه به آموزه‌های دین اسلام، نقش الگو را در زندگی مهم، لازم و ضروری دانسته^۱ و بر این باور است: «تشبه به بزرگان و انتساب به اولیاء کار زیرکان عالم است؛ هر کس الگویی می‌خواهد، دنبال نمونه و اسوه‌ای می‌گردد»^۲، «بدین ترتیب، انسان‌ها در شئون مختلف زندگی، به یک الگو و اسوه نیازمندند تا بتوانند در زندگی موفقیت لازم را کسب نمایند»^۳. ایشان معتقدند: «نقش الگو چنان در ایجاد انگیزه، تحرک و پویایی جامعه و انسان‌ها مهم و مؤثر است که حتی ملت‌های مختلف، در این راستا، الگوهایی را که وجود خارجی ندارند، در قالب داستان‌ها، اشعار و افسانه‌های گوناگون ملی و اساطیری معرفی می‌کنند تا موجب پویایی و تحرک جامعه شود؛ البته ایشان معتقدند در اسلام نیازی به این کارها نیست، زیرا در اسلام به صورت فراوان و بی نظیری الگوهای واقعی وجود دارد که یکی از بزرگ‌ترین الگوها حضرت اباعبدالله «علیه السلام» پیشوای مسلمین، فرزند پیامبر و شهید بزرگ تاریخ بشر می‌باشد»^۴ این نکته نیز در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری پیرامون ضرورت الگو در زندگی حایز اهمیت است که وقتی ایشان وظایف علمای اهل منبر و خطبای مذهبی را برمی‌شمارند، از سه وظیفه‌ای که نام می‌برند، یک وظیفه را ارایه‌ی الگو برای مخاطبین و مستمعین ذکر می‌کنند.^۵

۲-۵) **دال فرعی عقلانیت:** در دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، عقل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که در چند مورد از بیانات ایشان خطاب به مسئولان کشوری و استانداران، عقل در کنار دین و البته در کنار سلیقه آورده شده که از ابزار و ضرورت‌های مدیریت جامعه برشمرده شده است^۶. در همین راستا، ایشان معتقدند «به کارگیری عقل

۱ - سخنرانی در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین «علیه السلام» و روز پاسدار در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲

۲ - سخنرانی پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۲۴

۳ - سخنرانی در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهداء «علیه السلام» در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۲۶

۴ - سخنرانی در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین «علیه السلام» و روز پاسدار در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲

۵ - سخنرانی در دیدار با روحانیون و مبلغان، در آستانه‌ی ماه محرم در تاریخ ۱۳۷۰/۴/۲۰

۶ - سخنرانی در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران در تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۱

و علم در جهت رسیدن به آرمان‌های نظام اسلامی، از رفتارهای دینی به شمار می‌آید.^۱ که این موضوع بیانگر وابستگی عقل و دین به یکدیگر می‌باشد؛ از این رو، مقام معظم رهبری یکی از وظایف حوزه‌های علمیه را رشد دادن فکر و عقل مردم می‌داند و معتقدند «این خود یکی از ابعاد تعلیم دین می‌باشد».^۲ بنابراین، چگونگی مصرف در انتخاب سبک زندگی تعیین‌کننده است که در این زمینه مقام معظم رهبری، نقش عقلانیت را در چگونگی مصرف خیلی مهم و مؤثر دانسته و معتقدند برای استفاده‌ی بهینه، صحیح و درست از منابع باید از عقل و تدبیر خود استفاده نماییم؛ «ما بایستی مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم. مصرف نه فقط از نظر اسلام، بلکه از نظر همه‌ی عقلای عالم، چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. با هوی و هوس، با خواهش دل و آن‌چه که نفس انسان از انسان مطالبه می‌کند، نمی‌شود مصرف را مدیریت کرد...»^۳.

۲-۶) دال فرعی رفتارهای فردی: برخی از جامعه‌شناسان از جمله سوبل اساساً سبک زندگی را در وهله‌ی نخست، مجموعه‌ی رفتار می‌دانند و شیوه‌های متمایز زندگی را با سنجش رفتار بروز یافته و مشاهده شده قابل تفکیک می‌کنند (خادمیان، ۱۳۸۸: ۱۴۳). به طوری که عده‌ای از محققان نیز بر این باورند که سبک زندگی را باید صرفاً بر اساس فعالیت و رفتار تعریف نمود و نه ارزش‌ها و نگرش‌ها و البته برخی نیز عکس این را قبول دارند؛ به هر ترتیب، اهمیت بروز و ظهور رفتارهای کنشگران در ایجاد سبک زندگی از جایگاه قابل توجهی برخوردار است که ما در این جا صرفاً به نموداری از رفتارهای فردی از منظر مقام معظم رهبری اکتفا نمودیم.

۲-۷) مد و نوگرایی: مقام معظم رهبری تجدد و نوگرایی حقیقی را، باز کردن میدان‌های تازه در زندگی دانسته و معتقدند: اساساً دین اسلام این رویکرد و نگرش در زندگی را از انسان‌ها خواسته است که راه دست‌یابی به آن را نیز «تأمل، تعمق، کار درست، کار فکری، تلاش عملی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همه‌ی

۱ - سخنرانی در صحن جامع رضوی مشهد مقدس در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲

۲ - سخنرانی در دیدار علما و روحانیون استان همدان در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱۵

۳ - پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱

میدان‌ها، و همت‌ها را بلند کردن به دست می‌آید.^۱ معرفی کرده است؛ از این رو، ایشان حتی از ورود رایانه در حوزه‌های علمیه ابراز خشنودی نموده و توصیه نموده‌اند باید در حوزه‌های علمیه افکار نو و تجدد در امور راه یافته و مدّ نظر قرار گیرد.^۲ البته مقام معظم رهبری در خصوص حد و حدود مُد و نوگرایی، ضمن موافقت با اصل مُد و نوگرایی، معتقدند «... آدم نباید اسیر مُد باشد»^۳ بنابراین حد و حدودی بر مُدگرایی قایل هستند؛ به عنوان مثال؛ ایشان در خصوص چگونگی مُد برای زنان بیان کرده‌اند: «... مُد، برای زن ارزش آفرین نیست؛ بی‌اعتنایی نسبت به مُدهای دام‌گونه‌ی ساخته و پرداخته‌ی دشمنان، برای زن ارزش است. زن مسلمان، شخصیت خودش را پیدا کرده است. مواظب باشید این شخصیت را گم نکند».^۴

۸-۲) دال فرعی مصرف: شاخص مصرف که از مهم‌ترین شاخص‌های سبک زندگی به شمار می‌رود، توسط اکثر محققان و جامعه‌شناسان از جمله: تورستین ویلن، گردن، کلاکسون، میشل سوبل، باکاک و بوردیو مطرح گردیده است و اساساً میان سبک زندگی و مصرف وابستگی زیادی وجود دارد، به گونه‌ای که سبک زندگی برپایه‌ی مصرف بنا شده است؛ بدین ترتیب، آمریکایی‌ها بر مصرف مادی و فرانسوی‌ها از جمله بوردیو بر مصرف فرهنگی تأکید داشته‌اند.

به هر حال، مقام معظم رهبری، پیرامون مصرف از دیدگاه اسلام، نظرات متعدد و گسترده‌ای دارند؛ به طوری که ایشان حتی سال ۱۳۸۸ را سال اصلاح الگوی مصرف نامیدند تا بدین سبب، شهروندان و آحاد ملت ایران، به این موضوع توجه نمایند و سبک زندگی اسلامی خود را برپایه‌ی مصرف طبق آموزه‌های دینی بنا کنند؛ البته رهبر انقلاب اسلامی، به طور مشخص از سال ۱۳۷۴ به مدت ۴ سال متوالی در خصوص چگونگی مصرف اعم از: صرفه‌جویی، عدم اسراف، مبارزه با اسراف و

^۱ - سخنرانی در دیدار دانشجویان بسیجی در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۵

^۲ - سخنرانی در دیدار با آیت‌الله العظمی گلپایگانی «قدس سره» در تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۲

^۳ - سخنرانی در دیدار با اعضای «گروه ادب و هنر» صدای جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۵

^۴ - سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از زنان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، کرمان، قم، قزوین، یزد، کرج و استان‌های چهارمحال و بختیاری و مازندران در تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ - سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از پرستاران، به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری «سلام‌الله‌علیها» و روز پرستار در تاریخ ۱۳۷۰/۸/۲۲

زیاده‌روی در مصرف، انضباط اقتصادی و مالی و اجتناب از ریخت و پاش و تجملات بیهوده و اعیان منشی سخنرانی‌های متعددی داشته و تذکرات زیادی نیز داده‌اند. با توجه به گستردگی موضوعات مرتبط با مصرف و اهمیت آن در چگونگی سبک زندگی، صرفاً به اهم مطالب از منظر جامعه‌شناختی پرداخته شده است تا بتوان این نظرات را با نظرات سایر جامعه‌شناسان مورد مقایسه قرار داد.

۱-۸-۲) چگونگی مصرف: مقام معظم رهبری، مصرف به اندازه‌ی نیاز را به منظور ایجاد رفاه مادی مردم، همراه با عدالت، را به عنوان یکی از چهار هدف عمده و رکن اصلی انقلاب اسلامی معرفی کرده و تأکید نموده‌اند در صورت ضعیف یا مورد غفلت قرار گرفتن هر یک از این ارکان، بقای انقلاب و عبور آن از مراحل گوناگون ممکن نخواهد شد؛ البته ایشان، رفاه مادی را به معنای ترویج روحیه‌ی مصرف‌گرایی ندانسته‌اند^۱ به همین دلیل همواره در خصوص دست‌یابی به این رفاه را رعایت اصول و روش‌هایی دانسته‌اند که چگونگی مصرف و درست مصرف کردن یکی از آن‌ها می‌باشد که جزو سرفصل‌های ابلاغ تعیین چارچوب سیاست‌های نظام در برنامه‌های مختلف دولت بوده است که در برنامه‌ی دوم دربخشی از بند ۶ و برنامه‌ی سوم در بند ۲۷ رعایت قناعت و جلوگیری از اسراف و مصرف‌گرایی و تذبذب در جامعه را متذکر شده‌اند.^۲

رهبر انقلاب اسلامی، در خصوص چگونگی مصرف، تأکید کرده‌اند: «باید به قدر نیاز و حاجت، خرج و مصرف کرد؛ به خصوص کسانی که اموال عمومی را مصرف می‌کنند»^۳ البته ایشان ضمن توصیه جهت خودداری از اسراف، مصرف بی‌رویه و زیاد که این گونه مصرف زیان‌های متعددی اقتصادی، اجتماعی، روانی و اخلاقی در جامعه دربر خواهد داشت، تأکید کرده‌اند: «من مکرر عرض کرده‌ام، باز هم می‌گویم و خواهش می‌کنم که مصرف‌گرایی را رها کنند؛ مصرف باید به اندازه باشد، نه به حد اسراف و زیاده‌روی. این اندازه در هر زمانی متفاوت است. امروز بسیاری از قشرهای مردم و خانواده‌ها دچار مشکل و زحمت‌اند و هنوز اثرات و ثمرات بازسازی کشور، خودش را

۱- پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی، «قدس سره» در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۳

۲- نامه به حجة الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی جهت تعیین چارچوب سیاست‌های نظام در برنامه‌ی دوم در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۱۸ - پیام به ریاست محترم جمهوری در خصوص سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی سوم در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۳۰

۳- پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱

به‌طور کامل نشان نداده و خیرات و برکاتش به همه نرسیده است. اندازه عبارتست از این که انسان خودش را هرچه می‌تواند به این قشرها نزدیک کند. مسئولین عزیز کشور، اعم از دولتی و قضایی و سایرین، به خصوص باید این اصل را بیش از دیگران رعایت کنند.^۱

۲-۸-۲) ضرورت تدبیر و مدیریت در مصرف (اصلاح الگوی مصرف): مقام معظم رهبری برای اولین بار در سال ۱۳۶۸ نگرانی خود را از وضعیت اسراف و ولخرجی در جامعه، این‌گونه بیان داشته‌اند: «این جانب از این که کسانی می‌کوشند تا در میان مردم ما رسم تجمل‌گرایی و اسراف و ولخرجی را شایع کنند، شدیداً نگران و متأسفم؛ و از این که مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف‌گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند، به خدا پناه می‌برم».^۲

ایشان عامل اصلی مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی را فرهنگ فساد و فحشا که به وسیله‌ی دست‌های استعماری در میان ملت‌ها ترویج می‌کنند، می‌دانند که روز به روز زندگی ملت‌های ما را بیش‌تر در لجنزار خود فرومی‌برد.^۳ به همین خاطر است که ایشان تأکید کرده‌اند: «جامعه‌ی ما باید روحیه‌ی مصرف‌گرایی را کنار بگذارد و خودش را از آن چیزهایی که در فرهنگ‌های غربی ترویج می‌شود، رها کند».^۴ از این رو، چگونگی اسراف و ریخت و پاش‌های بیهوده در زندگی را از نظر عقلانی و اداره‌ی کشور جایز ندانسته و از نظر دین اسلام و شرع مقدس، حرام و جزو محرمات پنداشته است^۵ و این‌گونه میل به مصرف را بلای بزرگی برای جامعه می‌دانند.^۶

مقام معظم رهبری ضمن تأکید بر رعایت صرفه‌جویی و قناعت در تمام مراحل زندگی و عادت نمودن براین روش، صرفه‌جویی را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «صرفه

۱- پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید در تاریخ ۱۳۷۱/۱/۱

۲- پیام فرمانده کل قوا به گردهمایی فرماندهان ارتش بیست میلیونی در تاریخ ۱۳۶۸/۹/۲

۳- پیام به حجاج بیت الله الحرام در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶

۴- سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجة الاسلام و المسلمین

حاج سید احمد خمینی در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۱۴

۵- پیام به مناسبت آغاز سال جدید در تاریخ ۱۳۷۵/۱/۱

۶- سخنرانی در خطبه‌های نماز عید فطر در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۱۵

جویی، یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می‌توانیم از آن استفاده کنیم، دور نریزیم. نسبت به امکانات، با هوس رفتار نکنیم. دائماً چیزهای ماندگار را نو کردن و چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن، روش درستی نیست»^۱ البته رهبرانقلاب اسلامی، معتقد است: «یک ملت حق دارد با رفاه زندگی کند؛ حق دارد خوش بگذراند؛ حق دارد از انواع نعم الهی استفاده کند در این شکی نیست... اسراف مضر و مذموم و شرعاً حرام است»^۲ البته ایشان میان صرفه جویی و ریاضت تفاوت قایل شده‌اند.^۳ به هر حال، مقام معظم رهبری، به عنوان عالی‌ترین مقام این کشور، با توجه به دیدگاهی که نسبت به چگونگی مصرف در جامعه دارند و معتقدند در حال حاضر جامعه‌ی ما دچار مصرف‌گرایی بیش از حد و اسراف شده است و ایشان بر این باور است که مصرف باید توسط مسئولان نظام مدیریت شود، بنابراین، به عنوان یک راهبرد اساسی را در راستای پیشرفت و عدالت و مبارزه‌ی با اسراف، راهبرد «حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضييع اموال جامعه است»^۴ ارایه داده‌اند^۵ و مسئله‌ی مدیریت مصرف را یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی معرفی نموده‌اند.^۶

۳-۸-۲) سبک زندگی اشرافی: رهبر انقلاب اسلامی اشرافی‌گری را یکی از مصادیق مهم مصرف‌گرایی و اسراف می‌دانند^۷ و معتقدند: «اسراف در جامعه، لازمه‌ی اشرافی‌گری و تقسیم نابرابر ثروت و مایه‌ی تضييع اموال عمومی و نعمت الهی است»^۸ ایشان، زندگی به سبک اشرافی را همواره مذمت نموده، آن را آفت و بیماری در جامعه دانسته و مصادیق آن را در اسراف، مصرف زدگی، داشتن زندگی تشریفاتی و تجملاتی معرفی کرده‌اند و مکرراً مسئولین و آحاد مردم و جوانان و دانشجویان را از به دام افتادن در تکلفات و تعینات زندگی و اشرافی‌گری هوشیار کرده‌اند و زندگی

۱- پیام به مناسبت آغاز سال جدید در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۱

۲- خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۴

۳- پیام به مناسبت آغاز سال جدید در تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱

۴- سخنرانی در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا «علیه السلام» در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱

۵- سخنرانی در دیدار کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۳

۶- سخنرانی در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سندج در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۲

۷- سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی «قدس سره» مشهد مقدس رضوی در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۱

اشرافی‌گری را این‌گونه تبیین کرده‌اند: «یعنی خوردن و پوشیدن و زندگی کردن و مشی کردن به سبک اشراف و دور از زندگی متوسط»^۱ زندگی‌ای که قبل از انقلاب براساس «تشریفات، جاه، جلال، تکبر، تفرعن و لباس‌های فاخر ظاهرشدن»^۲ رایج بود که در واقع زندگی تشریفاتی براساس مصرف‌نمایی یا متظاهرانه‌ی مورد نظر و بلن بوده است که مقام معظم رهبری با استناد به آیات قرآن کریم، این‌گونه افراد را «مترفین» معرفی کرده‌اند^۳ کسانی که دچار بیماری رفاه زدگی و عشرت‌طلبی هستند^۴ و قاعدتاً می‌بایست درمان شوند؛ و این زندگی را دارای دو جنبه دانسته؛ یک جنبه از لحاظ اصل پای بندی به تجملات و تشریفات است که این بد و دون شأن انسان والاست... جنبه‌ی دوم انعکاس تجمل‌شما [مسئولین] در زندگی مردم است.^۵ البته رهبر انقلاب اسلامی مظاهر زندگی به سبک اشراف را در تهیه‌ی جهیزیه، مراسم عقد و عروسی در هتل‌ها... که صحنه‌ی تفاخر است، بر شمرده‌اند^۶

۴-۸-۲) مصرف فرهنگی: رهبر انقلاب اسلامی ضمن توجه به همه‌ی محصولات فرهنگی، کتاب را از جایگاه برتری در این محصولات قرار داده‌اند؛ به گونه‌ای که معتقدند: «من البته به کارهای هنری و تصویری، تلویزیون یا سینما یا از این قبیل مقولات، خیلی اعتقاد دارم؛ اما کتاب، نقش و جایگاه مخصوصی دارد. جای کتاب را هیچ چیز پر نمی‌کند و باید کتاب را ترویج کرد».^۷ نظر ایشان در مورد کتاب این‌گونه است: «باید جوری بشود که در سبد کالای مصرفی خانواده‌ها، کتاب یک سهم قابل قبولی پیدا کند و کتاب را بخرند برای خواندن، نه برای تزئین اتاق کتابخانه و نشان دادن به این و آن»^۸

۱ - پاسخ به پرسش‌های دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۱

۲ - همان

۳ - سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۰/۵/۲۳

۴ - پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی «قدس سره» در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۱۳

۵ - سخنرانی در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۴

۶ - سخنرانی در مراسم اجرای خطبه‌ی عقد ازدواج در تاریخ ۱۳۷۰/۴/۲۰

۷ - سخنرانی در مصاحبه‌ی صدا و سیما، در ششمین «نمایشگاه بین‌المللی کتاب در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۲۱

۸ - سخنرانی در دیدار مسئولان کتاب‌خانه‌ها و کتاب‌داران در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۲۹

۴- نتیجه‌گیری

از نتایج مهم و قابل توجه این پژوهش استخراج مفهوم «حیات طیبه‌ی اسلامی» معادل اصطلاح «سبک زندگی اسلامی» در منظر مقام معظم رهبری است؛ به طوری که معظم له، ضمن این که زندگی را فراتر از ابعاد و جنبه‌های مادی دانسته، نقش معنویت و دین را در زندگی مؤثر پنداشته و هدف دار بودن آن را با توجه به آموزه‌های دینی مورد توجه قرار داده‌اند. البته در این پژوهش مشخص گردید که دین نه تنها می‌تواند مردم را نسبت به برخی از سبک‌های زندگی در قیاس با سبک‌های زندگی دیگر ترغیب نماید، بلکه می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنترل فرهنگ مصرفی و سبک‌های زندگی مصرفی داشته باشد. رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص بیان کرده‌اند دین اسلام، تکلیف مسلمانان را در معاشرت در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک، در لباس پوشیدن، در درس خواندن، در روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر و در معاملاتشان معین کرده است؛ از این رو، ایشان حرکت به سمت حیات طیبه‌ی اسلامی را یکی از مسئله‌های اساسی دین اسلام دانسته و هدف بعثت پیامبر اکرم (ص) را دعوت به توحید و ایجاد یک روش زندگی اسلامی برای انسان‌ها معرفی کرده‌اند؛ همچنین، هدف از مبارزات انقلاب اسلامی را تلاشی برای تشکیل «حیات طیبه‌ی اسلامی» دانسته‌اند؛ زیرا اسلام روش زندگی مناسب و درخور شأن انسان‌ها را پیش روی آنان ترسیم نموده و راه رسیدن انسان‌ها به سعادت و کمال را زندگی با این روش اسلامی دانسته‌اند.

به هر ترتیب، مقام معظم رهبری، از حیات طیبه‌ی اسلامی تعاریف گوناگون و البته یکسانی دارند که در یک جمع بندی می‌توان تعریف ایشان را این گونه بیان کرد: حیات طیبه‌ی اسلامی، زندگی‌ای است که هم روح و جسم انسان، هم دنیا و آخرت انسان تأمین شود و هدف نهایی از این گونه زندگی، عبارتست از اینکه انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت خاطر و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت نمایند.

گفتمان سبک زندگی اسلامی از منظر رهبر انقلاب اسلامی دارای یک دال مرکزی، ۴ دال برتر و ۳ دال فرعی می‌باشد که عبارتند از: «منش اسلامی، معنویت، عقلانیت، الگو داشتن، نوگرایی و مد، حفظ مناسک و شعایر اسلامی، مصرف (شامل: نمایشی، فرهنگی - هنری و مادی) رفتار فردی (شامل: مدیریت بدن، پوشاک و ورزش

کردن) است. البته این شاخص‌ها در مقایسه با شاخص‌های محققان و جامعه‌شناسان مشهور دنیا اعم از اروپایی و آمریکایی، دارای وجوه تمایز و تشابه می‌باشد؛ از وجوه تشابه آن می‌توان به توجه رهبر انقلاب اسلامی به رفتارهای فردی، مُد و نوگرایی و مصرف اشاره نمود؛ اگرچه عقلانیت را نیز می‌توان به عنوان وجوه تشابه به شمار آورد که در این راستا، جامعه‌شناسان نیز این شاخص‌ها را در سبک زندگی معرفی کرده‌اند؛ البته صرف تشابه شکلی، این موضوع اهمیت ندارد، بلکه تشابه این شاخص‌ها از لحاظ محتوایی درخور توجه می‌باشد.

از یافته‌های درخور توجه این پژوهش، معرفی «سبک زندگی اشرافی» از نظر رهبر انقلاب اسلامی است که ضمن معرفی این سبک زندگی، تعدادی از مؤلفه‌های مهم آن را که بر محور مصرف دور می‌زند، ذکر کردیم که عبارتند از: روحیه‌ی مصرف‌زدگی و زیاده‌روی برای خرید، هوس داشتن برای خرید وسایل زندگی غیرضروری و غیرلازم و لوکس و صرفاً تجملاتی و تزیناتی، برپایی میهمانی‌های پُر سر و صدا، مسرفانه و طاغوتی در هتل‌ها به منظور کسب آبروهای خیالی، ایجاد صحنه‌های تفاخری و فخرفروشی به یکدیگر از جمله: در برگزاری جشن عروسی و تهیه‌ی جهیزیه‌ی دختران، مسافرت‌های خارج از کشور برای چشم و هم چشمی و اساساً توجه صرف به زندگی مادی و اسراف و تبذیر درهمه‌ی شئون زندگی...

منابع:

- ۱- باکاک، رابرت (۱۹۹۳). مصرف، ترجمه خسرو صبری، تهران: شیرازه.
- ۲- بوردیو، پی‌یر (۱۹۷۹). تمایز، حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- ۳- تامین، ملوین (۱۹۶۷)، جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی. ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- ۴- حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۳). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸
- ۵- حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). «سبک زندگی و پوشش زنان در تهران»، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، ش ۱.
- ۶- خادمیان، طلحه (۱۳۸۸). سبک زندگی و مصرف فرهنگی، تهران: جهان کتاب.
- ۷- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷). حدیث ولایت: مجموعه‌ی رهنمودهای مقام معظم رهبری مجلدات ۸-۱، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی و نرم افزار حدیث ولایت تهیه شده توسط دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای و سایت: <http://farsi.khamenei.ir/index.html>
- ۸- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶). فرهنگ مطالعات جوانان، تهران: انتشارات آگاه.
- ۹- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، فصل‌نامه علوم سیاسی، شماره ۲۸
- ۱۰- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، تهران: صبح صادق.
- ۱۱- کوزر، لوئیس (۱۹۷۱). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۲- کیویستو، پیتر (۱۹۹۸). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
- ۱۳- گیدنز، آنتونی (۱۹۹۵). تجدد و تشخص. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشرنی.

..... سبک زندگی اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری

- ۱۴- هانتینگتون، ساموئل و هریسون لارنس (۲۰۰۰). اهمیت فرهنگ، انجمن توسعه مدیریت ایران، تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- همیلتون، ملکم (۱۹۹۵). جامعه‌شناسی دین، تهران: انتشارات ثالث.

منابع انگلیسی:

- Bourdieu, Pierre (1984). In Other Words: Essays Towards a Reflexive Sociology, Stanford, un. Press
- Brown, Roger (1965). Psychology & Social Structure, New York, The free press.
- Chaney, david (1996). Lifestyles. London: Routledge.
- Laclau, E & Moufe, C (1985). Hegemony and socialist strategy: towards a radical democratic politics, London, verso